

یادگاری برای دخترم ماهور  
احمدرضا احمدی

# یک منظومه دیریاب در برف و باران یافت شد

احمدرضا احمدی

نشانی: تهران

ناقص چاپ شد

۲۲۶/۱ چاپ اول

۲۰۱۱ ناشر

ناقص ۲۰۱۲ تجدید

نشانی: تهران

۱۰۸۸-۲۰۶۵-۰۰۹-۸۷۶

تعمیرات و تجدید

در برف و باران

۲۲/۱ چاپ اول

۲۰۱۱ ناشر

nikapub@gmail.com

۱۳۹۹-۱۳۹۷



سازمان اسناد و کتابخانه ملی

## فهرست

۱۳	ما
۱۵	ما از درون
۱۸	در جنگ
۲۱	از این پس
۲۳	نامه
۲۴	در سفره‌های
۲۵	در وهم
۲۶	کتابخانه‌ها
۲۷	سرانجام
۲۹	از حدس
۳۲	برگ زرد
۳۵	به این آب‌های
۳۸	چندان

۸۳	در عصرانه
۸۴	این هم خاکستری
۸۵	دستان تو
۸۷	ترک من بگو
۸۸	سینه‌ام را
۸۹	آمدم
۹۰	در این خانه
۹۱	سینه‌ام
۹۲	عصرها
۹۳	باران‌ها
۹۴	شمع‌های
۹۵	انگورهای
۹۶	برای سرودن شعر
۹۸	فقط از سنگ
۹۹	قوطی‌های خالی کنسرو
۱۰۰	این عطرها
۱۰۱	چرخ خیاطی
۱۰۲	از این لحظه
۱۰۳	من از کجا
۱۰۴	مرا پرندگان
۱۰۵	می‌خواهم
۱۰۷	از گل‌های داوودی
۱۰۸	اما قصه
۱۰۹	پس به این
۱۱۰	باید از حزن

۴۰	از آن غروب
۴۲	این اسب
۴۴	آنکه چراغ‌ها
۴۶	به من
۴۸	اندوه
۵۰	نام من
۵۲	شب
۵۳	کنار فواره‌ها
۵۵	برگ‌های سوخته
۵۶	بر این چشمان
۵۷	گاهی
۵۹	پس از باران
۶۰	از شما می‌خواهم
۶۲	از این
۶۴	در برف‌ها
۶۶	از من تا بشقاب
۶۷	کلمات
۶۹	گفتند فقط
۷۱	یک منظومه دیرباب در برف و باران یافت شد
۷۷	از این ابر
۷۸	اشتیاق باغ‌ها
۷۹	از صبح
۸۰	ماهی
۸۱	در آن خانه
۸۲	این سرانجام

ما که از کرمان ..... ۱۱۱

در یک آتش بازی ..... ۱۱۳

سهم امید ما ..... ۱۱۵

غم روی غم ..... ۱۱۶

از این منظومه‌های ..... ۱۱۷

دوستانم ..... ۱۱۹

صاحب مهمانخانه ..... ۱۲۰

وقتی ..... ۱۲۲

اکنون ..... ۱۲۳

می‌خواهید ..... ۱۲۴

هر جا ..... ۱۲۶

چراغ ..... ۱۲۷

بدون شک ..... ۱۲۸

مرثیه‌های روز ..... ۱۲۹

خورشید رنگ پریده ..... ۱۳۴

دیگر ..... ۱۳۵

در کنار خانه‌ی ما ..... ۱۳۶

به زمین ..... ۱۳۸

دیروز ..... ۱۳۹

تو ..... ۱۴۰

بگذار ..... ۱۴۲

به این در بسته ..... ۱۴۳

رفتند ..... ۱۴۴

ما ... درون ...

ما روی بالکن ایستاده بودیم  
 باران بیداد می‌کرد  
 ما انتهای خیابان را نگاه می‌کردیم  
 تنها سخنی که به هم گفتیم  
 آه بود و سکوت  
 از جمعی گذشته  
 می‌خواستیم  
 گلدان‌های شمعدانی را  
 از بالکن به اتاق بیاوریم  
 ما به انتهای خیابان  
 خیره بودیم  
 در انتهای خیابان  
 دوازده چتر سیاه